دستور زبان کُردی

کرماشاهی کلهر



بقلم : کریم کریمپور

ڕێ زووان کوردی کرماشانی کەلڕ

دستور زبان کردی کرمانشاهی کلهر

کریم کریم‌پور

نام کتاب : دستورزبان کردی کرمانشاهی

نویسنده : کریم کریمپور

حروفچینی وچاپ : شرافت وزیری

چاپ اول : تیرماه ۱۳۷۳

تیراژ : ۲۰۰۰نسخه

قیمت : ۹۵۰ریال

فهرست

مقدمه

از مدتها قبل به این مسئله فکر می کردم که لهجه ای به این گستردگی و پهناوری به نام گویش کردی " کلهر " که بدون کتابت ؛ دستور زبان ؛ رسم الخط ؛ فرهنگ نامه و.... از سینه ای به سینهٔ دیگر انتقال یافته و بارها مورد هجوم و نفوذ زبانهای همجوار واقع گردیده،چگونه توانسته است ازگزند حوادث محفوظ بماند و همچنان راست وپایداربه روندخویش ادامه دهد. خوشبختانه من آنقدر خوش بین هستم که پیش بینی کنم ؛ درآینده کسی یا کسانی پیدا شوند که به این مهم بپردازندو آنرا ازخطراضمحلال نجات بخشندواین زبان اصیل ایرانی راپشتوانهٔ زبان فارسی کنند. پشتوانه ای ازواژه های کهن ماد؛ اوستایی وساسانی ؛ زبان فارسی اگر در مقایسه بازبانهای خارجی دچارخلاشوداین خلارامی توان به کمك زبانهای بومی ومحلی پرکرد. مثلا یك واژه اکردارای معادل فارسی نباشد به کمك سایر زبانهای موجوددرکشورمی توان آن را جبران کرد وديگرلزومی نداردکه آن واژه بیگانه راعینادرزبان خودبکاربریم . همیشه کسانی بوده وهستندکه به انحاء مختلف سعی درتخطئه کردن این زبان(کردی)وناچیزوحقیرشمردن آن درمحافل ادبی دارند. اینان ازآنجائیکه بااین زبان بیگانه هستندوازسرمایه هاوموجودیهای آن بی اطلاع ؛ لذابدون

مطالعه اظهارمی دارندکه این زبان میراست وارزش سرمایه گذاری وثبت وضبط راندارد وبایدهمانطورآن رااقواه پیران وعوام واگذاشت تابامرگ پیران مرگ این زبان نیزبه تدریج وتدرج فرارسد اماتجربه تابه حال خلاف این راثابت کرده است چراکه این زبان درمسیرهای پرپیچ وخم تاریخ نه تنهانابودنشده بلکه ازبنیهٔ خوبی نیز برخوردارشده است.بحمدالله بعدازپیروزی انقلاب حمایتهای بی شائبه ای ازجانب رجال فرهنگ دوست شده است ووزارت فرهنگ وارشاداسلامی همیشه سعی داشته تاباجمع آوری آثارعامیانه وفولکلوریک به این زبان ارزش خاصی داده وآنرادرمسیردرست ودرخدمت اهداف عالی انسانی جهت بخشدوباطیب خاطرازاین میراث فرهنگی وازاین فرهنگ اصیل ایرانی درمقابل تهاجمات فرهنگی دفاع نماید.

این زبان دارای رسم الخط (البته بابعضی ازتغییرات وابداعاتی ازجانب نگارنده)وبیش از۵۰هزارواژهٔ زندهٔ کلهری که ایندوبرای اولین بارازجانب نگارنده تالیف یافته که فرهنگ عظیم کلهر متعاقبابه طبع خواهدرسید.

حیطه جغرافیایی این زبان ازاستان کردستان باشهرهای قروه وبیجارشروع می شودوبه استانهای کرمانشاه وایلام رسیده ودرشهرهای خانقین ومندلی وبدرهٔ عراق و...خاتمه می یابد.نگارنده درتالیف این کتاب نیک واقف است که جانب ایجازواختصارراگرفته وازاطناب وتفضیل آن خودداری فرمود ه است امااین بدان معنانیست که دستورزبان کردی ازاین مقدارفراترنرفته وسرمایه های ادب مادرهمین همین قواعدفهرست واراست بلکه مادراین کارمهم ابتدانابرآنیم که مشام عاشقان رابانشه ای ازنفحات این گلستان معطرسازیم ودرفرصتهای آتی به تفصیل این مهم بپردازیم . انشاءا...

ناگفته پیداست که پرداختن به زبانهای بومی ومحلی بدان معنانیست که زبان رسمی کشوررانادیده بگیریم وزبان خودرادرعرض آن قراردهیم وبه آن تعارض برخیزیم بلکه برعکس زبان ماودیگرزبانهای خودپشتوانه ایست غنی برای زبان فارسی درمقابله بازبان بیگانه . لزومی نداردمازبان شیرین فارسی راباواژه های مهجوروناآشنای فرانسوی ؛ روسی ؛ انگلیسی ؛ مغولی و.... مغلق سازیم

وازارزیابی وارزش آن به این وسیله بکاهیم . مامی توانیم اززبانهای محلی جهت پربارساختن زبان فارسی وتنوع درمترادفات وحتی جایگزینی ومشتق سازی استفاده کنیم . البته این کاردرگذشته های بسیاردوریعنی درعصرمادهاوپارسی باستان صورت گرفته ؛ کافیست که یک محقق کردزبان این واژه های کردی رااززفرهنگ فارسی استخراج کندآنوقت مقدارقابل ملاحظه ای واژه استخراج می شودکه عیناباتغییراتی اندک درزبان روزمرهٔ کردی استعمال می شود واگراین کلمات اشکالی برای زبان فارسی ایجادمیکرد بایدالآن مدتها استفاده ازآن راممنوع اعلام می کردند. به همان دلیل که کلماتی نظیر: استکان ؛ سماور ؛ آقا ؛ خانم ؛ پرستو ؛ مرسی ...که اززبان بیگانه واردزبان فارسی شده وبه دلیل کثرت استعمال باورمان نمی آید خارجی باشنداستعمال کلمات کردی به مراتب ازآن ساده تروکم خطر تر است .

به امیدروزی که همه زبانهای موجوددرسرزمین اسلامیمان به آن درجه ازپویایی رسیده باشند که هرکدام باگویش مخصوص خوددرچهارگوشه مملکتمان ودرخطوط مرزی به زبانهای بیگانه ؛ نه بگویند. انشاءا...

درخاتمه ازاستادوپدربزرگوارم دکترمصطفی خرمدل که بردستورزبانهای عربی ، فارسی ، کردی تسلط کامل داشته ودراین زمینه کتابهای زیادی به چاپ

رسانده اند؛ صمیمانه کمال تشکرراداشته وتوفیقشان راازخداوندمنان خواهانم ؛ ازکتاب کردی سورانی آن بزرگواربهره هاجستم .

همچنین ازبرادران هوشنگ رشیدی - عباس پورباقر- شهبازی میلادی - حیرانی - سلیمانی . حیدرکریم پور- اله وردی - رحیمی - بهلولی و... ودبیران محترم اسلام آباد صمیمانه سپاسگزارم که توانستندمرادرتحقیق؛ بررسی وچاپ این دفتریاری کنند.

باکمال احترام

کریم کریمپور

اسلام آباد

رێ زووان کوردی کرماشانی کەڵر
دستور زبان کردی کرمانشاهی کلهر

نزه کوردی کرماشانی‌له رێ کر- الفبای کردی کرمانشاهی در رسم‌الخط الفبای کردی کرمانشاهی عبارتند از:

ء-ا-ب-پ-ت-ج-چ-خ-د-ر-ڕ-ز-ژ-س-ش-غ-ف-ڤ-ق-ک-گ-ل-ڵ-م-ن-و-ۆ-وو-و-ه-کسره ـِ-ی-ێ-نڕگ

الفبای کوردی کرمانشاهی همانند سایر الفبای کوردی دیگر مناطق کردنشین می‌باشد. اما در بعضی موارد به علت نداشتن حرفی و یا اضافه بودن حرفی دیگر بناچار استثناهائی در آن مشاهده می‌گردد که ما در این مورد اول به طور کلی و بعد به موارد استثنائی این لهجه اشاره‌ای داریم.

۱- در زبان کردی دو نوع «ل» وجود دارد.

الف - لام بزرگ یا ثقیل که روی آن علامت «v» گذاشته می‌شود مانند:

باڵ (بال) تیەڵ (تلخ) ماڵ (خانه)

ب - لام کوچک که علامتی ندارد، مانند:

مەل (پرنده) شەل (شل)

۲- در زبان کردی دو نوع «ر» وجود دارد:

الف - راء بزرگ یا ثقیل که بالای آن علامت «v» گذاشته می‌شود، مانند:

بوڕ (ببر) توڕ (تور)

ب - راه کوچک که علامتی ندارد، مانند:

شار (شهر) مور (شپش) دار (درخت) به‌یرام (بهرام)

۳- در زبان کردی سه نوع «واو» وجود دارد:

الف - واو کوتاه که همان ضمه می‌باشد که بالای آن علامت «۷» گذاشته می‌شود:

گوّل (گل) قوّل (پا)

ب - واو کشیده که با دو (وو) پشت سر هم نشان داده می‌شود:

شووان (چوپان) جووان (جوان) زوور (زور) دوول (سطل)

پ - واو معمولی که هیچ علامتی ندارد:

مور (شپش) قه‌ور (قبر) گه‌ور (گبر)

توجه - در لهجه کردی کرمانشاهی حرفی به نام (وّ) وجود دارد که رد پائی در رسم‌الخط کردی در آن برایش در نظر گرفته نشده و این یکی از موارد استثنائی است که باید به رسم‌الخط (رّیّ کرّ) کردی اضافه شود. البته کشورهای فرانسه و آلمان به این فکر بوده و برای (وّ) کرمانشاهی که در زبان خودشان نیز موارد استعمال فراوانی دارد از این حروف استفاده می‌کنند: Ö-Ü

٤- در زبان کردی دو نوع «ی» وجود دارد:

الف = ی مجهول که با علامت «۷» در بالای آن مشخص می‌گردد.

خوه‌یّ (خودش) بیّلّ (بیل) میّلّ (یک نوع نگاه مخصوص)

ب - ی معلوم - مانند:

شیر (شیر خوردنی) قیل (قیر) توای (می‌خواهی) روی (روباه)

٥- در زبان کردی (ص و ث) را به صورت «س» می‌نویسند، مانند:

صابون = سابوون

ثریا = سوره‌یا

٦- در زبان کردی (ض - ظ - ذ) را به صورت «ز» می‌نویسند، مانند:

ظرف = زەرف

ضخیم = زەخیم

مبتذل = موبتەزڵ

۷ـ در زبان کردی «ط» را به شکل «ت» می‌نویسند؛ مانند:

طاهره = تاهره

در زبان کردی (ص ـ ض ـ ث ـ ظ ـ ط ـ ذ) وجود ندارد.

۸ـ در زبان کردی ـَ فتحه به صورت « ـه ە» نوشته می‌شود.

بیّە = بده

بەو = بیا

۹ـ در زبان کردی تنوین وجود ندارد و هر طور کلمه‌ای تلفظ شود به همان شکل می‌نویسند، مانند:

حتماً = هەتمەن دفیتاً = دە فیتەن = فوراً

۱۰ـ در زبان کردی تشدید وجود ندارد و به جای آن حرف مشدد را تکرار می‌کنند:

گله = گەلله

۱۱ـ ڤـ در زبان کردی و در لهجه کەڵڕ معادل V انگلیسی می‌باشد.

ئەڤدە (عبدل) ئەڤدال (قلندر) گاڤە (فوران خون)

توجه:

همانطورکه اشاره شد در لهجه کرمانشاهی استثناهائی وجود دارد:

۱ـ «ۆ» که درباره آن اشاره شد که همان "Ō" "Ū" فرانسه و آلمان می‌باشد؛ مانند:

مۆ(مو) شۆ (شوهر) تۆ (توت) بۆش (بگو) تۆل (ترکه ـ طول)

۲ـ درکردی کرمانشاهی چون حرف حلقی «ح» ندارد به جای آن از «هـ» استفاده می‌گردد

ح - هـ

حاجی - هاجی

۳ـکسره ـِ که این نیز در خواندن اشکال برانگیز است مانند:

بپلکیه پیًا (یخه‌اش را بگیر = بچسب به او)

اما در سایر مناطق کردنشین می‌توان به راحتی ازآن صرف نظر نمود.

٤ـادغام حروف تو دماغی ن و گاف، مانند:

هه‌نگَل «زیر بغل» پەلنگ «پلنگ» هه‌ره‌نگ = توان

۵ـ در کردی کرماشانی حرف حلقی «ع» وجود ندارد

و به جای آن از حرف «ئو» استفاده می شود : علی = ئه لی

انواع کلمه از جهت صرف

به‌شه‌یل که‌لیمه له وه‌تن

انواع کلمه از جهت صرف عبارتند از:

۱ـاسم - ناو

۲ـ فعل - کردار

۳ـ ضمیر - که‌زای

٤ـ صفت - رازا

۵ـ قید - ده‌ربه‌ن

٦ـ حرف ربط - نزه‌ێ ماوش

۷ـ حرف اضافه - نزه‌ێ زیادی

۸ـ حرف نشانه - نزه‌ێ نیشانه

۹ـ شبه جمله - که‌ڵام دخوه‌ێ

بەش ئەوەل
قسمت «۱»

ناو-اسم

اقسام اسم عبارتند از:

۱ـ اسم عام - ناوگشت

۲ـ اسم خاص - ناودیاری

۳ـ اسم جامد - ناو بێ بنچینه

٤ـ اسم مشتق - ناو بنچینەدار

٥ـ اسم ساده - ناو بێ پیچ پلوچ

٦ـ اسم مرکب - ناو پیچ پلووچدار

۷ـ اسم معرفه - ناو شناس

۸ـ اسم نکره - ناو نەناس

۹ـ اسم ذات - ناو سەر خوەێ

۱۰ـ اسم معنی - ناو بێ سەر خوەێ یابێ سەرشوون

۱۱ـ اسم مفرد - ناو یەکلّه

۱۲ـ اسم جمع - ناو گەل

۱۳ـ اسم مصغر - ناو بۆچگ

اسم-ناو

اسم کلمه‌ای است که برای نامیدن انسان، حیوان یا چیزی به کار می‌رود، مانند:

باوگ(پدر) خالو(دائی) ئامەد (احمد) مامەد(محمد)

اسم عام (ناوگشت)

اسم عام آن است که دربرگیرنده اشخاص یا اشیاء همجنس باشد مانند:

کوچک (سنگ) ئاگر (آتش)

اسم خاص - (ناو دیاری)

اسمی است که بر یک شخص یا حیوان یا انسان معین دلالت می‌کند، مانند:

تەیران (تهران) کرماشان (کرمانشاه) فەرهاێ (فرهاد)

اسم جامد - ناو بێ بن چینه

اسم جامد به اسمی گفته می‌شود که بن فعلی نداشته باشد، مانند:

گوڵ (گل) سەنیر (بالشت)

اسم مشتق - ناو بن چینه‌دار

اسم مشتق به اسمی گفته می‌شود که از بن فعلی گرفته شده باشد، مانند:

پرسیار (پرسنده) مێوانِ دار (مهمان‌دارنده = کسی که مهمان دارد)

اسم ساده - ناو بێ پیچ پلووچ

اسمی است که ساده و بدون اجزاء باشد، مانند:

شەوێ (پیراهن) کتاو (کتاب) دار (درخت)

اسم مرکب - ناو پیچ پلووچ‌دار

اسم مرکب، اسمی است که از دو کلمه و یا بیشتر تشکیل شده باشد، مانند:

باخەوان (باغبان) ڕێ وەسان (راه بندان)

اسم معرفه - ناو شناس

اسم معرفه، اسمی است که برای شنونده معلوم و مشخص باشد، مانند:

گه: ژنه گه = زنی که مورد نظر گوینده و شنونده است.

ه: کوره = پسر مورد نظر

اسم نکره: ناو نه‌ناس

اسم نکره، اسمی است که برای شنونده معلوم و مشخص نباشد، مانند:

کوڕێ هات = پسری آمد

پیاێک = مردی

وه‌ل هوٚچ منالێگا سه‌روکار نه‌یریم = با هیچ بچه‌ای سروکار نداریم

علامتهای اسم نکره در دستور زبان کردی کلهر کرمانشاهی:

نیشانه یل ناو نه‌ناس له‌ڕێ زووان کوردی که‌لڕ کرماشان

۱- ی = کوڕێ = (پسری)

منالێ (کودکی)

۲- یگ = ژنیگ (زنی)

چوارچه‌وێگ = (چادری) = چادر سر زنان

۳- گا = وه‌ل هوٚچ ئایه‌مێگا هاتن‌وچین نه‌یرم

با هیچ آدمی رفت‌وآمد ندارم. (با آدمی که برایم مشخص نباشد.)

علامتهای اسم معرفه در دستور زبان کردی کلهر کرمانشاهی
نیشانه یل ناوشناس لەزێ زووان کوردی کەڵۆڕ کرماشان

گە = ئاوه گە = آبی که برای شنونده مشخص است.

گان = داره گان لەقیانەو = درختان تکان‌خوردند (درختانی که برای بیننده مشخص است)

ه = ـه های بیان حرکت: کوڕه (پسری که برای شنونده مشخص است)

دۆەته = (دختری که برای شنونده مشخص است)

خاتۆنه = خاتون (نام زنان)

له = بۆچگله = کوچکتر

ه (ـه) گه = سۆر (عروسی)

سۆره گه = (عروسی که من آن را می‌شناسم)

یه گه = سەوزی (سبزی)

سەوزیه گه (سبزی که من آن را می‌شناسم)

ا = بکەفه ڕیا (راهی که مشخص است)

اسم ذات = ناو سەر خوەێ

اسم ذات اسمی است که قائم به ذات خود است و وجود آن در خارج از ذهن می‌باشد، مانند:

بەرگ = لباس .گۆڵ وەنی = سربند .شەم = شمع

اسم معنی
ناو بێ سەر خوەێ یا بێ سەرو شوون

اسمی است که وجود آن بسته به وجود چیز دیگری باشد و قائم به ذات خود نباشد، مانند:

دانش = زانس .شه‌وه‌کی = صبح زود .ئێواره = غروب آفتاب

مفرد ـ یه کلّه

مفرد کلمه‌ای است که بر یک شخص یا حیوان یا یک چیز دلالت کند. مانند:

ژن =زن . پیا =مرد . وه‌هار = بهار

جمع ـ گه‌ل

کلمه‌ای است که بیشتر از دو دلالت کند. خواه انسان، حیوان یا هر چیز دیگر باشد. مانند:

پیایه‌یل = مردان . ژنه‌یل = زنها .وه‌هاران =بهاران

علامت جمع در زبان کردی کلهر کرمانشاهی
نیشانه‌یل گه‌ل له‌ژێ زووان کوردی که‌لۆر کرماشان

۱ـ گان ـ (ماڵه‌گان ـخانه‌ها) یا (کوڕه‌گان ـپسرها)

۲ـ ـه‌یل ـ (مناڵه‌یل ـ کودکان) یا (شاره‌یل ـشهرها)

۳ـ ان ـ (شاران ـشهرها) یا (وه‌هاران ـبهارها)

٤ـ ـه‌یله‌گان ـ (شوانه‌یله‌گان ـ چوپانها) یا (مناڵه‌یله‌گان ـ کودکان)

۵ـ انه ـ (جمانه ـجمعه‌ها) یا(روژانه ـروزها) یا (شه‌وانه ـشبها)

اسم جمع ـ ناوگه‌ل

اسمی است که در ظاهر مفرد، اما در باطن جمع می‌باشد مانند:

قوشه‌ن = سپاه ڕیه‌ن = گله خه‌ڵک =مردم

اسم مصغر-ناو بۆچگ

اسم مصغر اسمی است که بر کوچکی یا حقارت دلالت کند.

مارمۆلک = مار کوچک

کونیلک = مشک کوچک

علامتهای اسم مصغر در زبان کردی کلهر کرمانشاهی
نیشانه یل ناو بۆ چگ لەزێ زووان کوردی کەڵژ کرماشانی

۱ـ چه ـ باخ + چه = باخچه (باغچه)

۲ـ ۆله ـ داس + وله = داسۆله (داس کوچک)

۳ـ کۆڵ ـ چو + کول = چوکۆڵ (چوب کوچک)

٤ـ مۆلک ـ جام + مۆلک = جامۆلک = (با حذف یکی از «م»ها) (کاسه کوچک)

مار + مۆلک = مار مولک

٥ـ ینک ـ خڕ + ینک = خڕینک = دایره کوچک

٦ـ لِک = کونه + لک = (کونیلک) = مشک کوچک

۷ـ کین = ماڵه + کین = ماڵه کین = خانه کوچک

۸ـ گولو = گرزه + گولو = گرزه گولو. (آدم کوچک) در بیان تمسخر هم بکار می رود

۹ـ پیەنک = پیره + پیەنک = پیره پیەنک = دختر کوتاه‌قد و مسن، در بیان تمسخر هم بکار می رود.

۱۰ـ جگ = بن + جگ = بن جگ = بن جگ (تکه چوب کوچک)

قن + جگ = قنجگ (تکه گوشت کوچک)

مصدر- «بن چینه» یا «لانه‌ما»

مصدر کلمه‌ای است که برای کاری یا حالتی بدون دخالت در زمانهای ماضی - مضارع و آینده دلالت داشته باشد.

اما در زبان کردی کرمانشاهی مصدر علاوه بر حالت مصدری، با تغییر آهنگ کلام جز صیغه‌های دوم‌شخص و سوم‌شخص جمع به حساب می‌آید مثل - خواردن - خوردند.

علامتهای مصدر در زبان کردی کلهر کرمانشاهی

نیشانه‌یل بن‌چینه (لانه‌ما) له ڒێ زووان کوردی که‌ڵڕ کرماشان

۱- ان = مانند: نۆسان (نوشتن)

۲- ین = مانند: چنین (بافتن) چڕین (صدا زدن)

۳- ن یانن = مانند: سه‌نن (خریدن) قه‌پانن، ئه‌ڵقه‌پانن هه‌ڵقه‌پانن (گرفتن)

۴- یان = مانند: دڕیان (پاره‌شدن) خوریان (خوردن) جمیان (حرکت کردن)

علامتهای حاصل مصدر و اسم مصدر

نیشانه‌یل «پش ده‌س‌بن چینه (لانه‌ما)» و ناو بن‌چینه (لانه‌ما)

۱- «یه‌تی» مانند: دشمنایه‌تی (دشمنی)

۲- «ی» مانند: خاسی «خوبی» دزی (دزدی)

۳- «ار» (مانند: کردار (کردار)

۴- «ه» مانند: په‌ژاره (اندوه)

۵- «ه‌تی» مانند: پیاوه‌تی (مردانگی)

۶- «داڵ» در معنای «ش» مانند: داڵ وه‌خش (بخشش)

۷- «ان» مانند: چه‌پڵه ڕێزان (دست زدن)

بەش دووم
قسمت «۲»
فعل = (کردار)

فعل کلمه‌ای که انجام گرفتن کاری یا داشتن و پذیرفتن حالتی در زمان گذشته، حال، آینده را می‌رساند و مفهوم شخص و مفرد و جمع بودن را نیز دربردارد.

فعل داری سه زمان است:

۱ـ فعل ماضی (کردار زۆنه)

۲ـ فعل مضارع (کردار ئێرەنگه)

۳ـ فعل مستقبل (کردار ها لەڕێ)

اقسام فعل ماضی در دستورزبان کردی کلهر کرمانشاه
به شه‌یل کردار زۆنه له ڕێ زووان کوردی کەڵڕ کرماشان

الف فعل ماضی (کردار زۆنه)

فعل ماضی، فعلی است که بر زمان گذشته دلالت داردکه عبارتند از:

۱ـ ماضی مطلق = زۆنه‌ی بێ پیچ پلووچ

۲ـ ماضی استمراری ـ زۆنه‌ێ گوڕای گوڕ

۳ـ ماضی استمراری دور ـ زۆنه‌ێ گوڕای گوڕ دۆر

٤ـ ماضی نقلی ـ زۆنه‌ێ وه‌تنی

٥ـ ماضی بعید ـ زۆنه‌ێ دۆر

۶ـ ماضی التزامی - زۆنەی دشک یا شک وەدڵ بردن
۷ـ ماضی ملموس - زۆنەێ دەسەژبە.

ماضی مطلق (ساده)= زۆنەێ بێ پیچ پلووچ

فعلی است که بر انجام کاری در زمان گذشته دلالت کند.

مفرد	جمع
خوابیدم ـ خوابیدی ـ خوابید	خوابیدم ـ خوابیدید ـ خوابیدند
خەفتم ـ خەفتی ـ خەفت	خەفتیم ـ خەفتین ـ خەفتن

مفرد	جمع
گفتم ـ گفتی ـ گفت	گفتیم ـ گفتید ـ گفتند
وەتم ـ وەتی ـ وەت	وەتیم ـ وەتین ـ وەتن

مفرد	جمع
زدم ـ زدی ـ زد	زدیم ـ زدید ـ زدند
کوشتم ـ کوشتی ـ کوشت	کوشتیم ـ کوشتین ـ کوشتن

ماضی استمراری = زۆنەیْ گوزایْ گوز

فعلی است که بر کاری در زمان گذشته به طور استمرار و تکرار و تدریج انجام گرفته است.

مفرد	جمع
می‌خوابیدم - می‌خوابیدی - می‌خوابید	می‌خوابیدیم - می‌خوابیدید - می‌خوابیدند
بخه‌فتام - بخه‌فتای - بخه‌فتا(بخه‌فتاد)	بخه‌فتایم - بخه‌فتاین - بخه‌فتان

مفرد	جمع
می‌گفتم - می‌گفتی - می‌گفت	می‌گفتیم - می‌گفتید - می‌گفتند
بوەتام - بوەتای - بوەتا (بوەتاد)	بوەتایم - بوەتاین - بوەتان

ماضی استمراری دور = زۆنەیْ گوزایْ گوز دۆر

این فعل همانند ماضی استمراری می‌باشد اما زمانش دورتر است و در مواقعی معنی ماضی استمراری بعید می‌دهد. مانند: بخه فتام (می‌خوابیدم) بخه‌فتایام [می‌خوابیدم (می‌خوابید) (در زمان دورتر) یا (می‌خوابیده بودم)]

مفرد	جمع
بخه‌فتایْام - بخه‌فتایْای - بخه‌فتایْاد	بخه‌فتایایم - بخه‌فتایاین - بخه‌فتایان
می‌خوابیدم - می‌خوابیدی - می‌خوابید	می‌خوابیدیم - می‌خوابیدید - می‌خوابیدند

توجه

در همین استان ما امروزه شاهد صرف فعلی هستیم که از همین خانواده است اما مجهول آن می‌باشد که متأسفانه مردم بدون توجه به آن، آن را در حکم افعال معلوم در نظر می‌گیرند، مثلاً «وه تن» مصدر است و «وه‌ت» بن فعل ماضی « وه‌تیا» یعنی گفته شد.

اما در بعضی جاکلمه «وه‌تیام» یا «بوه‌تیام» مشاهده می‌شود که معنای آن یعنی گفته شدم یا «بوه تیا یام» که از همین خانواده است باز معنی مجهول آن را دارد. پس کلمه درست آن چنین است:

ب + وه‌ت (بن‌فعلی) + ام یا ایام = ماضی استمراری

بوه‌تام یا بوه‌تایام اما ب + وه‌ت + یا- وه‌تیا (گفته شد) که در حکم مجهول می‌باشد و نادرست است.

ماضی نقلی= زۆنه‌ی وه‌تنی

ماضی نقلی فعلی است که برانجام کاری یا حالتی در زمان گذشته به طور نقل و روایت دلالت کند مانند:

مفرد	جمع
گفته‌ام ـ گفته‌ای ـ گفته‌است	گفته‌ایم ـ گفته‌اید ـ گفته‌اند
وه‌تمه ـ وه‌تیده ـ وه‌تیّه	وه‌تیمه ـ وه‌تینه ـ وه‌تنه

مفرد	جمع
خریده‌ام ـ خریده‌ای ـ خریده‌است	خریده‌ایم ـ خریده‌اید ـ خریده‌اند
سه‌نمه ـ سه‌نیده ـ سه‌نیٚه	سه‌نیمه ـ سه‌نینه ـ سه‌نه

مفرد	جمع
خفته‌ام ـ خفته‌ای ـ خفته‌است	خفته‌ایم ـ خفته‌اید ـ خفته‌اند
خه‌فتمه ـ خه‌فتیده ـ خه‌فتیّه	خه‌فتیمه ـ خه‌فتینه ـ خه‌فتنه

ماضی بعید = زۆنه‌یٚ دوٚر

فعلی است که بر انجام کاری یا حالتی در زمان گذشته دور دلالت کند. مانند:

مفرد	جمع
خه‌فتۆم (برای اول شخص مفرد و جمع)	خه‌فتۆن (برای دوم و سوم شخص جمع)
خه‌فتۆد (خوابیده بودی)	
خه‌فتۆ (خوابیده بود)	

* * *

توجه

۱ـ در بعضی موارد برای تشخیص اول شخص جمع و همچنین برای فهماندن به طرف مقابل

از «ضمیر» استفاده می‌شود مثلاً خه‌فتوّمن - یعنی ما خوابیده بودیم.

مفرد	جمع
خه‌فتوّم (خوابیده بودم)	خه‌فتوّ من (خوابیده بودیم)
خه‌فتوّد (خوابیده بودی)	خه‌فتوّن (خوابیده بودید)
خه‌فتوّ (خوابیده بود)	خه‌فتوّن (خوابیده بودند)

ماضی التزامی = زۆنه‌ی شک وه دڵ بردن

فعلی است که بر انجام کاری یا وقوع حالتی در زمان گذشته به طور شک و دو دلی یا امید و آرزو دلالت می‌کند مثلاً داشتن از مصدر «داشتِن» چنین صرف می‌گردد:

داشتووم (داشته باشم)

داشتووی [(داشته باشی) کار بردش از بین رفته است)]

داشتوو (داشته باشد)

یا داشتوو م [(داشته باشیم) کار بردش از بین رفته است)]

داشتوِن (داشته باشید)

این فعل جز ماضی بعید است ولی در اینجا معنی ماضی التزامی را می‌دهد.

و در واقع دو نقش را در دو فعل ماضی بعید و ماضی التزامی بازی می‌کند.

شاید قبلاً داشتووین بوده که کم‌کم در اثر صقیل بودن حذف شده است.

داشتوون (داشته باشند)

ماضی ملموس = زۆنەی دەسەژیە

جمع	مفرد
۱ـ داشتیم می‌رفتیم = داشتیم چیم	۱ـ داشتم می‌رفتم = داشتم چێم
۲ـ داشتید می‌رفتید = داشتین چین	۲ـ داشتی می‌رفتی = داشتی چید
۳ـ داشتند می‌رفتند = داشتن چێن	۳ـ داشت می‌رفت = داشت چێ

ماضی ملموس

لەپساهاتیم = داشتیم می‌آمدیم	لەپساهاتم = داشتم می‌آمدم
لەپساهاتین = داشتید می‌آمدید	لەپساهاتی = داشتی می‌آمدی
لەپساهاتن = داشتند می‌آمدند	لەپساهات = داشت می‌آمد

این کلمه «لەپسا» در زبان کردی کرمانشاهی فعل نیست، اما در معنای فعل از آن استفاده می‌شود. از طرفی این کلمه اگر بر سر فعل ماضی درآید معنی ماضی ملموس می‌دهد. [له پساهات: داشت می‌آمد] و اگر بر سر مضارع بیاید معنی مضارع ملموس می‌دهد. [لەپساتیەێ ـ دارد می‌آید].

انوع فعل ماضی = بەشەیل کردار زۆنە

ماضی ساده زۆنەێ بێ پیچ و پلووچ	ماضی استمراری (زۆنەێ گوڕاێ گوڕ)	ماضی استمراری دور زۆنەێ گوڕاێ گوز دۆر	ماضی نقلی زۆنەێ وەتنی	ماضی بعید (زۆنەێ دۆر)	ماضی التزامی زۆنەێ شک وەدڵ بردن	ماضی ملموس زۆنەێ دەسەژیە
افتادم	میافتادم	میافتادم	افتادهام	افتاده بودم	افتاده باشم	داشتم میافتادم
کەفتم	بکەفتام	بکەفتایام	کەفتمه	کەفتۆم	کەفتووم	داشتم کەفتم
افتادی	میافتادی	میافتادی	افتادهای	افتاده بودی	افتاده باشی	داشتی میافتادی
کەفتی	بکەفتای	بکەفتایای	کەفتیده	کەفتۆد	کەفتووی	داشتی کەفتی
افتاد	میافتاد	میافتاد	افتاده است	افتاده بود	افتاده باشد	داشت میافتاد
کەفت	بکەفتا	بکەفتایاد	کەفتێه	کەفتۆ	کەفتوو یا کەفتوود	داشت کەفت
افتادیم	میافتادیم	میافتادیم	افتادهایم	افتاده بودیم	افتاده باشیم	داشتیم میافتادیم
کەفتیم	بکەفتایم	بکەفتایایم	کەفتیمه	کەفتۆ یم	کەبتوویم	داشتیم کەفتیم
افتادید	میافتادید	میافتادید	افتادهاید	افتاده بودید	افتاده باشید	داشتید میافتادید
کەفتین	بکەفتاین	بکەفتایاین	کەفتینه	کەفتۆ ین	کەفتووین	داشتن کەفتین
افتادند	میافتادند	میافتادند	افتادهاند	افتاده بودند	افتاده باشند	داشتند میافتادند
کەفتن	بکەفتان	بکەفتایان	کەفتنه	کەفتۆین	کەفتوون	داشتن کەفتن



توجه: این فعل در فارسی وجود ندارد

ب ـ مضارع ـ لیرەنگه

فعلی است که وقوع آن در زمان حال قطعی است که در زبان کردی کرماشانی کلهر بر چند نوع است:

فعل مضارع = کردار لێرەنگه

۱ـ مضارع اخباری ـ ئێرەنگەیٚ خەوەری
۲ـ مضارع التزامی ـ ئێرەنگەیٚ شک وەدڵ بردن
۳ـ مضارع التزامی دور (درفارسی کاربرد ندارد) ئێرەنگەیٚ شک وەدڵ بردن دۊر
٤ـ مضارع التزامی دور دور یا دورتر (در فارسی کاربرد ندارد) ـ ئێرەنگەیٚ شک وەدڵ بردن فره دۊر
٥ـ مضارع ملموس ـ ئێرەنگەیٚ دەسەژیە

الف - مضارع اخباری - ئێرەنگە یٚ خەوەری

فعلی است که وقوع آن در زمان حال قطعی باشد.

جمع	مفرد
۱ـ ۆشیم = می‌گوئیم	۱ـ ۆشم = می‌گویم
۲ـ ۆشین = می‌گوئید	۲ـ ۆشی می‌گوئی
۳ـ ۆشن = می‌گویند	۳ـ ۆشێ می‌گوید

ب ـ در موارد دیگر لفظ «ـەو» به آخر این فعل اضافه می‌گردد.

جمع	مفرد
۱ـ ۆشیمەو = می‌گوئیم	۱ـ ۆشمەو = می‌گویم
۲ـ ۆشینەو = می‌گوید	۲ـ ۆشی دەو = می‌گویی
۳ـ ۆشنەو = می‌گویند	۳ـ ۆشێ دەو = می‌گوید

مضارع التزامی = ئێرەنگەیٚ شک وە دڵ بردن

مضارع التزامی بر وقوع فعل همراه با شک و تردید و آرزو ... دلالت دارد.

جمع	مفرد
۱ـ بۆشیم =بگوییم	۱ـ بۆشم = بگویم
۲ـ بۆشین = بگویید	۲ـ بۆشی = بگویی
۳ـ بۆشن = بگویند	۳ـ بۆشێ = بگوید

الف = این فعل در موارد دیگرمثل مضارع اخباری پسوند ـَو = ـەو به آخرش در می‌آید.

مفرد	جمع
١ـ بۆنمەو = ببینم	١ـ بۆنیمەو = ببینیم
٢ـ بۆ نیدەو = ببینی	٢ـ بۆنینەو = ببینید
٣ـ بۆنێدەو = ببیند	٣ـ بۆ ننەو = ببینند

ب ـ در مواردی همراه (کاشکی ـ خوەزیەو) می‌آید که معنای مضارع التزامی را در بردارد.

مفرد	جمع
١ـ خوەزیەو بۆشم = کاشکی بگویم	١ـ خوەزیەو بۆشیم = کاشکی بگوییم
٢ـ خوەزیەو بۆشی = کاشکی بگویی	٢ـ خوەزیەو بۆشین = کاشکی بگویید
٣ـ خوەزیەو بۆشێ = کاشکی بگوید	٣ـ خوەزیەو بۆشن = کاشکی بگویند

مضارع التزامی دور = لیرەنگەی شک وەدلْ بردن دۆر

این فعل همان مضارع التزامی است که زمانش کمی دورتر است و در فارسی کاربرد ندارد.

مفرد	جمع
١ـ بۆناتام ـ ببینم (در زمان دورتر)	١ـ بۆناتایم ـ ببینیم (در زمان دورتر)
٢ـ بۆ ناتای ـ ببینی (در زمان دورتر)	٢ـ بۆ ناتاین ـ ببینید (در زمان دورتر)
٣ـ بۆناتاد ـ ببیند (در زمان دورتر)	٣ـ بۆ ناتان ببینند (در زبان دورتر)

مضارع التزامی دور دور= ئێرەنگەیٚ شک وەدڵ بردن فره دوٚر

مفرد — جمع

۱ـ بفروشتاێام ـ بفروشم (در زمان دور دور) ۱ـ بفروشتاێایم ـ بفروشیم (در زمان دور دور)

۲ـ بفروشتاێای ـ بفروشی (در زمان دور دور) ۲ـ بفروشتایاین ـ بفروشید (در زمان دور دور)

۳ـ بفروشتاێاد ـ بفروشد (در زمان دور دور) ۳ـ بفروشتایان ـ بفروشند (در زمان دور دور)

مضارع ملموس = ئێرەنگەیٚ دەسەژیە

مضارع مستمر بر وقوع فعلی در زمان حال و یا آینده نزدیک به طور استمرار دلالت دارد.

مفرد	جمع
۱ـ درم وٚشم = دارم می‌گویم	۱ـ دریم وٚشیم = داریم می‌گویم
۲ـ دری وٚشی = داری می‌گویی	۲ـ درین وٚشین = دارید می‌گویید
۳ـ دریٚ وٚشیٚ = دارد می‌گوید	۳ـ درن وٚشن = دارند می‌گویند

مفرد	جمع
۱ـ درم تیەم = دارم می‌آیم	۱ـ دریم تیەیم = داریم می‌آییم
۲ـ دری تیەی = داری می‌آیی	۲ـ درین تیەین = دارید می‌آیید
۳ـ دریٚ تیەیٚ = دار می‌آید	۳ـ درن تیەن = دارند می‌آیند

انوع فعل مضارع = بەشەیل کردار ئێرەنگە

مضارع اخباری:	مضارع التزامی	مضارع التزامی دور	مضارع التـزامی دوردور:	مضارع ملموس
ئێرەنگەیٚ خەوەری	ئێرەنگەیٚ شک وەدڵ بردن	ئێرەنگەیٚ شک وەدڵ بردن دوٚر	ئێرەنگەیٚ شک وەدڵ بردن فرەدوٚر	ئێرەنگەیٚ دەسـەژیە
ۆشم	بۆشم	بۆشاتام	بۆشاتایام	درم ۆشم
ۆشی	بۆشی	بۆشاتای	بۆشاتایای	دری ۆشی
ۆشی	بۆشت	بۆشاتاد	بۆشاتایاد	دری ۆشی
ۆشیم	بۆشیم	بۆشاتایم	بۆشاتایم	دریم ۆشیم
ۆشین	بۆشین	بۆشاتاین	بۆشاتاین	درین ۆشین
ۆشن	بۆشن	بۆشاتان	بۆشاتان	درن ۆشن

ج = مستقبل ـ هالەڕێ

این فعل بر وقوع کاری در حال و آینده دلالت دارد که بر دو نوع است:

مستقبل (هالە ڕێ):

الف ـ دور (دوٚر)

ب ـ نزدیک (نزیک)

هالە ڕێ دوٚر (مستقبل دور)

الف ـ این فعل قصد انجام دادن کاری یا حالتی را در آینده دارد اما معلوم و به طور یقین مشخص نیست.

مفرد	جمع
۱ـ تووام بچم = می‌خواهم بروم	۱ـ تووایم بچیم = می‌خواهیم برویم
۲ـ تووای بچی = می‌خواهی بروی	۲ـ تووایِن بچین = می‌خواهید بروید
۳ـ تووای بچود = می‌خواهد برود	۳ـ تووان بچن = می‌خواهند بروند

ب = فعل دیگری هست که اگر با تأکید خوانده شود معنای مستقبل را دارد، در غیر این صورت معنای آن ماضی استمراری است.

مفرد	جمع
۱ـ دەمەلێ = خواهم زد	۱ـ دیمەلێ = خواهیم زد
۲ـ دیدەلێ = خواهی زد	۲ـ دینەلێ = خواهید زد
۳ـ دێدە لێ = خواهد زد	۳ـ دەنەلێ = خواهند زد

مثال دیگر ـ کوشمەێ = خواهم کشت.

هاله رِّیٰ نزیک = مستقبل نزدیک

این فعل در آینده نزدیک اتفاق می‌افتد و انجام آن حتمی است.

مفرد	جمع
۱ـ گرّ ترچیم = (در آینده نزدیک) می‌روم	۱ـ گرّ ترچم = (در آینده نزدیک) می‌رویم
۲ـ گرّ ترچی = (در آینده نزدیک) می‌روی	۲ـ گرّ ترچین = (در آینده نزدیک) می‌روید
۳ـ گرّ ترچو = (در آینده نزدیک) می‌رود	۳ـ گرّ ترچن = (در آینده نزدیک) می‌روند

انوع فعل مستقبل - بەشەیل کردار ها لەڕێ

هالەڕێ دوۆر		مستقبل نزدیک هالەڕێ نزیک
کوشمەێ = خواهم کشت	تووام بچم = می‌خواهم بروم	گڕتر تیەم = می‌آیم
کوشیدێ = خواهی کشت	تووای بچی = می‌خواهی بروی	گڕتر تیەی = می‌آیی
کوشێدێ = خواهد کشت	تووای بچود = می‌خواهد برود	گڕتر تیەێد = می‌آید
کوشیمەێ = خواهیم کشت	تووایم بچیم = می‌خواهیم برویم	گرتر تیەیم = می‌آییم
کوشینەێ = خواهید کشت	تو واین بچین = می‌خواهید بروید	گرتر تیەین = می‌آیید
کوشنەێ = خواهند کشت	تووان بچن = می‌خواهند بروند	گرتر تیەن = می‌آیند

فعلهای معلوم و مجهول - کرداره‌یل بان‌واز وه داپو شیایٚ

فعل معلوم: فعلی که فاعلش معلوم ومشخص باشد، معلوم گویند.

مثال:

من از بازار آمدم
م له بازار هاتم.

فعل مجهول - کردار داپوشیایٚ
فعلی است که فاعلش مجهول باشد
مانند:

علی کشته شد
ئه‌لی کوشیا

مثالی دیگر:
معلوم = علی کتابی خرید : ئه‌لی کتاوێک سه‌ن
مجهول = کتابی خریده شد: کتاوێک سه‌نیا

طرز استفاده مجهول کردن افعال معلوم
زیٚ داپوشانن کرداره‌یل بان‌واز

الف: فعل ماضی + یا = فعل مجهول
کردار زۊنه + یا = کردار داپوشیایٚ
مثال: وه‌ت + یا = وه‌تیا = گفته شد
ج = بن فعل مضارع + ـه‌ید یا ه‌و = مضارع مجهول
سزیا یا سزیٚه‌ده‌و = سوخته می‌شود
چند مثال برای افعال مجهول (ماضی ومضارع)
وه‌ت + یا = وه‌تیا = (گفت + یا) = گفته شد
خور + یا = خوریا = خورده شد

بر + یا = بریا = برده شد
گر + یا = گریا = گرفته شد
برش + یا = برشیا = برشته شد
فروش = یا = فروشیا = فروخته‌شد
وَش + یه‌ده‌و = وَشیه‌ده‌و = گفته می‌شود
فروش + یه‌د = فروشیه‌د = فروخته می‌شود
گر + یه‌ده‌و = گریه‌دو = گرفته می‌شود (دست شکسته را)
سز + یه‌م = سزیه‌م = سوخته می‌شوم

انواع فعل ماضی مجهول در دستور کوردی کرمانشاهی

بەشەیل کردار زۆینەی داپوشیاێ لە ڕێ زووان کوردی کرماشان

ماضی ساده مجهول	ماضی استمرار مجهول	ماضی نقلی مجهول	ماضی بعید مجهول	ماضی التزامی مجهول
وەتیام = گفته شدم	بوەتیام = گفته می‌شدم	وەتیامه = گفته شده‌ام	وەتیاوّم = گفته شده بودم	وەتیاووم = گفته شده باشم
وەتیای = گفته شدی	بوەتیای = گفته می‌شدی	وەتیایده = گفته شده‌ای	وەتیاوّی = گفته شده بودی	وەتیاووی = گفته شده باشی
وەتیا = گفته شد	بوەتیا = گفته می‌شد	وەتیایه = گفته شده است	وەتیاوّ = گفته شده بود	وەتیاود = گفته شده باشد
وەتیایم = گفته شدیم	بوەتیایم = گفته می‌شدیم	وەتیایمه = گفته شده‌ایم	وەتیاوّیم = گفته شده بودیم	وەتیاوویم = گفته شده باشیم
وەتیاین = گفته شدید	بوەتیاین = گفته می‌شدید	وەتیاینه = گفته شده‌اید	وەتیاوّن = گفته شده بودید	وەتیاون = گفته شده باشید
وەتیان = گفته شدند	بوەتیان = گفته می‌شدند	وەتیانه = گفته شده‌اند	وەتیاوّن = گفته شده بودند	وەتیاون = گفته شده باشند

انواع مضارع مجهول - بەشەیل ئێرەنگەیٚ داپوشیایٚ

مضارع اخباری مجهول

مفرد

سزیەم = سوخته می‌شوم

سزیەی = سوخته می‌شوی

سزیەیدِ= سوخته می‌شود

سزیەیم = سوخته می‌شویم

سزیەین = سوخته می‌شوید

سزیەن = سوخته می‌شوند

مضارع التزامی مجهول

جمع

بسزیەم = سوخته بشوم

بسزیەی = سوخته بشوی

بسزیەیدِ= سوخته بشود

بسزیەیم = سوخته بشویم

بسزیەین = سوخته بشوید

بسزیەن = سوخته بشوند

فعل مستقبل مجهول = کردار داپوشیایٚ ها لەژێ

مفرد

۱ـ سزیەمەو = سوخته خواهم شد

۲ـ سزیەیدەو = سوخته خواهی شد

۳ـ سزێەێدەو = سوخته خواهد شد

جمع

۱ـ سزیەیمەو = سوخته خواهیم شد

۲ـ سزیەینەو = سوخته خواهید شد

۳ـ سزیەنەو = سوخته خواهند شد

فعلهای لازم و متعددی

۱ـ لازم - فعلی است که بدون مفعول باشد

حسن آمد = هەسەن هات

۲ـ متعددی - فعلی است که به مفعول نیاز دارد.

الف = حسن کتابی خرید = هەسەن کتاوێک سەن

ب = من او را دیدم = م ئەوە دیم

بەش سی
قسمت «۳»

ضمیر =کەزای

ضمیر کلمه‌ای است که به جای اسم می‌نشیند و ازتکرار آن جلوگیری می‌کند.

ضمیر (کەزای)

فاعلی (بکەر): ضمیر شخصی جدا (کەزای ئایەمی جیا)
ضمیر شخصی پیوسته (که زای ئایەمی پلکیایٚ)

مفعولی (پیەر): ضمیر شخصی جدا (کەزای ئایەمی جیا)
ضمیر شخصی پیوسته (کەزای ئایەمی پلکیایٚ)

اشاره (چەوقریانن)
مبهم (دربوش نریایٚ)
ملکی (هن خوەم)

ضمیر شخصی فاعلی جدا ـ کەزای ئایەمی بکەر جیا

مفرد	جمع
من = م	ما = ئیمه
تو = ت	شما = ئیوه
او = ئەو ویا، ئەوه	ایشان = ئەوان (یا) ئەوانه

ضمير شخصی متصل فاعلی - کەزای ئایێمی پلکیایٚ بکەر

جمع	مفرد
یم	م
ین	ی
ن	د

جمع	مفرد
چیم = می‌رویم	چم = می‌روم
چین = می‌روید	چی = می‌روی
چن = می‌روند	چود = می‌رود

ضمیر مفعولی شخصی جدا - کەزای یێەر ئایەمی جیا

جمع	مفرد
ئیمە برد = مارا برد	م برد = مرا برد
ئیوە برد = شما را برد	ت برد = ترا برد
ئەوانە برد = ایشان را برد	ئەوەبرد = او را برد

ضمیر مفعولی شخصی پیوستە - کەزای یێەر ئایێمی پلکیایٚ

جمع	مفرد
بردە مان = ما را برد	بردەم = مرا برد
بردە دان = شما رابرد	بردە د = تو را برد
بردە یان = ایشان را برد	بردەیٚ = او را برد

در ضمایر پیوسته مفعولی وقتی که با اسم بیایند باز این حالت را می‌گیرند

مفرد	جمع
کتاوه گه‌م ـ کتاب من	کتاوه گه‌مان ـ کتاب ما
کتاوه گه‌د ـ کتاب تو	کتاوه گه‌دان ـ کتاب شما
کتاوه گه‌یٚ ـ کتاب او	کتاوه گه‌یٚان ـ کتاب ایشان

کی کتاوه گه‌م فرٚه دا؟ ـ چه کسی کتاب مرا پرت داد؟

ضمیر اشاره = که‌زای چه‌و قرپانن

ضمیر اشاره ـ کلمه‌ای است که کسی یا چیزی را با آن نشان می‌دهند.
ضمیر اشاره به نزدیک ـ

یه ـ	ئی ـ	ئه‌یه
ئه‌یانه	یان	یانه

همه به ترتیب در معنای این و اینها به کار می‌رود

ضمیر اشاره به دور:

ئه‌وه ـ	ئه‌وانه
آن ـ	آنها

در معنای آن و آنها به کار می‌رود.

ضمیر مبهم = که‌زای در پوش نریایٚ

واژه‌های همه (گشت) هیچ (هوٚچ) دیگری (قه‌یٚره) و... وقتی که بدون اسم بیایند و بر شخصی یا [illegible] یا مقدار نامعینی دلالت می‌کنند.

ضمیر ملکی = کەزای هنخوەم یا خوەمانی

جمع	مفرد
هن ئیمە = مال ما	هنم = مال من
هن ئیوە = مال شما	هن ت = مال تو
هن ئەوانە = مال آنها	هن ئەوە یائەوٙ = مال او

ضمایر متصل مفعولی در افعال ماضی
که زایەیل پلکیای یێەر لە کردارەیل زۆنە

درفارسی کاربرد ندارد

ماضی ساده	ماضی استمراری	استمراری دور درفارسی کاربردندارد	ماضی نقلی	ماضی بعید	ماضی ملموس
زۆنەی بی‌پیچ و پلۆوچ	زۆنەی گوڕای گوڕ	زۆنەی گوڕای گوڕ دۆر	زۆنەی وەتنی	زۆنەی دۆر	
دیمەێ	بیامەێ	بیاتامەێ	دیمەسەێ	دزمەێ	داشتم دیمەێ
دیدەێ	بایدەێ	بیاتایدەێ	دیدەسەێ	دزدەێ	داشتی دیدەێ
دیەێ	بیدەێ	بیاتادەێ	دیەسەێ	دزەێ	داشت دیەێ
دیمنەێ	بایمەێ	بیاتایمەێ	دیمنەسەێ	دزمنەێ	داشتیم دیمنەێ
دینەێ	باینەێ	بیاتاینەێ	دینەسەێ	دزنەێ	داشتین دینەێ
دینەێ	بیانەێ	بیاتانەێ	دینەسەێ	دزنەێ	داشتن دینەێ

ضمایر متصل مفعولی در افعال مضارع
که زایەیل پلکیایٚ بێەر لە کردارەیل ئێژەنگە

مضارع اخباری	مضارع التزامی	مضارع التزامی دور درفارسی کاربردندارد	مضارع التزامی دوردور درفارسی کاربردندارد	مضارع ملموس
دۆنمەیٚ	بۆنمەیٚ	بونیامەیٚ	بونیاتامەیٚ	درم دۆنمەیٚ
دۆنیدەیٚ	بۆنیدەیٚ	بونیایدەیٚ	بونیاتایدەیٚ	دری دۆنیدەیٚ
دۆنێدەیٚ	بۆنێدەیٚ	بونیادەیٚ	بونیاتادەیٚ	دریٚ دۆنیدەیٚ
دۆنیمەیٚ	بۆنیمەیٚ	بونیایمنەیٚ	بونیاتایمەیٚ	دریم دۆنیمنەیٚ
دۆنەیٚ	بۆنینەیٚ	بونیایینەیٚ	بونیا تایینەیٚ	درین دۆنینەیٚ
دۆننەیٚ	بۆننەیٚ	بونیانەیٚ	بونیاتانەیٚ	درن دۆننەیٚ

بەش چوارم
قسمت «٤»

صفت = رازا[1]

صفت کلمەای است کە وصف و چگونگی کسی یا چیزی را بیان می‌کند:
دریژ (دراز) گەورە یا گەورا (بزرگ) بۆچگ (کوچک) تیەڵ (تلخ)
علائمی کە در ترکیبهای اضافی و وصفی می‌آید و بە مەصوف یا مضاف اضافە می‌شود:
برایْ خاس (برادر خوب)
خودایْ گەورا (خدای بزرگ)
کوڕِ خاس (پسر خوب)

اقسام صفت = بەشەیل رازا

صفت

الف ـ صفتهای پیشین رازایْ ئیلا یا وەر ماڵ
ب ـ صفتهای پسین رازایْ ئەولا یا پشت‌ماڵ

صفتهای پیشین عبارتند از:

۱ـ اشارەای ۲ـ پرسشی ۳ـ مبهمی ۴ـ شمارشی ۵ـ تعجبی

رازایل وەرمال درس بۆنە لە:

۱ـ چەو قرپانی ۲ـ پرسیاری ۳ـ داپو شیانی ۴ـ شماردنی ۵ـ واق مەننی

۱ ـ رازا از مصدر رازانن یعنی توصیف کردن و رازا یعنی توصیف و موصوف آن رازاکر یعنی توصیف کنندە می‌باشد.

صفتهای پسین: صفت فاعلی - صفت مفعولی - صفت نسبی - صفت لیاقت
رازایٚ پشت مالٚ: ۱- رازایٚ بکەر ۲- رازایٚ پێەر ۳- خوەیی ٤- رازای «وەپێ هاتن» یا «وە پێ کە فتن»

صفتهای پیشین

۱- صفت اشارەای (رازایٚ چەو قریانن)
لفظ «یە» «ئەیە» - این و «ئەو» - آن همراه اسم می‌آیند.
ئێ کتاوە - این کتاب
ئەووە لٚنگە - آن برگ

صفت پرسشی = رازایٚ پرسیاری

صفتی که از نوع یا چگونگی یا مقدار موصوف پرسش می‌کند.
چقدر پول داری؟ چەنی پۊل دری؟

صفت مبهم = رازایٚ داپوشیانی

صفتی که همراه اسم می‌آید و نوع یا چگونگی یاشماره و مقدار موصوف را به طور نامعین می‌رساند.
صفت مبهم عبارتند از:
«هەر» «هر» - «گشت» «همە» - «بیسان» «بهمان» - «هوٚچ» «هیچ»

صفت شمارشی = رازایٚ «شماردنی»

صفت شمارشی عددی است که همراه اسم می‌آید و تعداد یا ترتیب آن را می‌رساند.
صفت شمارشی بر چهار قسم است.
۱- صفت شمارشی ساده - رازایٚ شماردنی بێ پێچپلووچ

۲ـ صفت شمارشی ترتیبی - رازایٚ شماردنی پشت سەر یەک
۳ـ صفت شمارشی توزیعی - رازایٚ شماردنی بەش کردنی
٤ـ صفت شمارشی کسری - رازایٚ شماردنی کوت کوتی

۱ ـ صفت شمارشی ساده = رازایٚ شماردنی بیٚ پیٚچ پلووچ

شماره‌ها یا اعدادی هستند که بی‌پیشوند و پسوند می‌آیند.
یەک (یک) د(دوْ) سیٚ(سه) چووار (چهار) پەن (پنج) شەش (شش)

۲ـ صفت شمارشی ترتیبی - رازایٚ شماردنی پشت سەر یەک

ترتیب قرار گرفتن موصوف را می‌رساند و با افزودن ـِ م یا ـِ مین به صفت شماری ساده ساخته می‌شود. اما در کردی با پسوند «گله» به عدد ساخته می‌شود.
چووار ـ چووارمین - چووارم یا چووارم گله

۳ـ صفت شمارشی توزیعی - رازایٚ شماردنی بەش کردنی

که در آن معدود یا موصوف را به بخشهای برابر تقسیم می‌کنند.
گله گله (یکی یکی) دووان دووان (دوتا دوتا) چووار چووار (چهارچهار)

٤ـ صفت شمارشی کسری - رازایٚ شماردنی کوت کوتی

یک یا چند جزء از یک یا چند واحد را می‌رساند.
دکوتی - (دو نصف) سیٚ کوتی (سه‌نصف)

صفت تعجبی = رازایٚ واق مەننی

صفتی است که تعجب را می‌رساند.
چه خط زیبائی! چ کرٚ رەنگینی!
چه پسر مو بوری! چ کوڕ مۆ هۆلی!

صفتهای پیشین

صفت فاعلی= ڕازاوێ بکەر

صفتی است که برکننده کار دلالت می‌کند، مانند:
بنۆس (نویسنده) بخوەن (خواننده) بکیش (کشنده)

علامتهای صفت فاعلی= نشانه‌یل ڕازاوێ بکەر

۱ـ کەر، مانند:
خەفەکەر (خفه‌کننده) ـ قیڕەکەر (صدازننده) = (صدا دهنده) از مصدر قیڕانن ـ کل‌کەر(فرستنده)

۲ـ یار، مانند:
جفتیار (شخم‌زننده) پرسیار (پرسنده)

۳ـ کار، مانند:
شەوکار (شب کارکننده) روژکار (روزکار کننده)

٤ـ گەر، مانند:
ئاسنگەر (آهنگر)

٥ـ کەر مانند:
پاوەکەر (پاگشاینده) ڕاوکەر (شکارچی)

٦ـ «ا» مانند:
زانا (دانا) دارا (دارنده = کسی که ثروت زیاد دارد)

۷ـ چڕ مانند:
هوره چڕ (آواز خوان)

۸ـ گر، مانند:
داگر (بردارنده = غذا) هەڵگر (دربردارنده، امانت و...)

۹ـ گیر، مانند:
وه‌رگیر (جلوگیرنده، ممانعت‌کننده)
۱۰ـ بڕ، مانند:
داربڕ = (درخت برنده)
۱۱ـ شت، مانند:
جمشت = حرکت‌کننده ـ حرکت از کلمه جم یا جم‌جوّل و از مصدر جمیان
۱۲ـ «ان» مانند:
په‌س له‌وه‌ڕان = گوسفند چراننده یا کسی که گوسفند را می‌چراند.
۱۳ـ نه‌ر، مانند:
شه‌ره‌و نه‌ر = جنجگو = کسی که دائماً آتش جنگ را شعله‌ور می‌کند.
۱٤ـ ده‌ر، مانند:
گله‌و ده‌ر = گیرنده
۱۵ـ ته‌ڵ، مانند
گه‌یشته‌ڵ = کسی که زیاد می‌گردد.

صفت مفعولی = رازایِ بیه‌ر

صفتی است که کار بر او واقع شده است.
۱ـ از مصادری که به «ان» ختم می‌گردند، ساخته می‌شود مانند:
سزیایْ = سوخته = از مصدر سزیان (سوختن)
۲ـ از مصادری که به علامت «تن» یا «ن» ختم می‌گردد مانند:
کوشیایْ = کشته از مصدر کوشتن (کشتن)
۳ـ از مصادری که با «نن» یا «ن» ختم می‌گردد مانند:
برشیایْ=برشته = از مصدر برشانن (برشته کردن)
رشیایْ = ریخته = از مصدر رشانن (ریختن)
٤ـ از مصادری که با «ین» ختم می‌شود مانند:
چنیایْ (چیده) از مصدر چنین (چیدن)

که‌نیایٚ (کنده) از مصدر که‌نین (کندن)

صفت سنجشی = رازایٚ هه‌ڵ سنگانن

اقسام صفت سنجشی عبارتند از صفت مطلق، تفضیلی ـ عالی.

صفت مطلق = رازایٚ بیٚ پیٚچ پلووچ

آن است که چگونگی کسی یا چیزی را بدون برتری تعبیر بیان می‌کند، مانند:
بۆچگ (کوچک) گه‌ن (بد)

صفت تفضیلی = رازایٚ خاس تر

آن است که برتری کسی یا چیزی را بر فرد دیگر یا چیز دیگر برساند که علامت آن «تر» در فارسی با فتح و در کردی کرمانشاهی با کسره‌است «تر»

بۆچگ (کوچک)	بۆچگ‌تر (کوچک‌تر)
گه‌ن (بد)	گه‌ن‌تر (بدتر)
خاس (خوب)	خاس تر (خوب‌تر)

صفت عالی = رازای فره‌خاس یافره‌باش

آن است که برتری کسی یا چیزی را برچندین فرد دیگر یا چند چیز دیگر برساند، مانند:
گه‌ن‌ته‌رین(بدترین) خاس‌ته‌رین (خوب ترین)

توجه:

بعضی وقتها با تکرار یک کلمه مرکب مفهوم بهترین را می‌رساند:
خاس خاسان (خوب خوبترین) باش باشان (بالاتر ازخوب‌ها)

صفت نسبی = رازایْ خوه‌یی

نشانه‌های صفت نسبی در زبان کردی کرمانشاهی عبارتند از:
۱ـ «ی»
خه‌رگی (خاکی) کرماشانی (کرمانشاهی)
۲ـ «نیه»
ره‌نگینه (رنگینه) ماینه (مؤنث) دوینه (غذایی که با دوغ درست می‌شود)
۳ـ «ین»
قه‌مین (غمگین)
٤ـ «ه»
یه‌ساله (یک ساله) یه‌مانگه (یک ماهه) وهاره (بهاره)
۵ـ «چی»
پوسه‌چی = پستچی
٦ـ «انی»
تورانی ـ از مصدر توریدن به معنای قهر کردن
۷ـ لکن
سیه‌لکن (سیاه‌سوخته)
۸ـ گ
بورگ ـ منسوب به بور
۹ـ کی
ده‌یشته‌کی ـ منسوب به دشت.

۱۰ـ تی
خواردنی

صفت لیاقت = رازایٚ وه‌پیٚ‌هاتن

ـَ مه‌نی نشانه صفت لیاقت می‌باشد
فعل + ـَ مه‌نی
خوارد + ـَ مه‌نی = خواردمه‌نی
داشت + ـَ مه‌نی = داشته‌مه‌نی
وه‌کار = کاری
کورٚ وه کاریگه = پسرکاریی می‌باشد

بەش پەنجم

قسمت «٥»

قید = دەربەن

کلمه یا گروهی از کلمه‌هاست که در جمله می‌آید و وابسته فعل، صفت، قید دیگر... می‌شود

قید فعل (دەربەن کردار) - حتماً می‌آیم - هکمەن تیەم

قیدمصدر (دەربەن بن چینه) - بسیار خوابیدن - فره خەفتن

قید صفت (دەربەن رازا) - باغ بسیار بزرگ - باخ فره گەورا

قیدقید (دەربەن، دەربەن) - مجید خیلی خوب شنا می‌کند - مەجد فره خاس مەلە کەیٚ

قید زمان - ← شەو - روژ - شەوەکی - ئێوارە - نیمەڕۆ

شب - روز - صبح‌زود - عصر - ظهر

قید مکان - ئێرە (اینجا) ئەورە (آنجا) خووار (پائین) بان (بالا)

قید مقدار - فره (زیاد) لەپێ (به اندازه یک مشت) کوتیٚ (نصفی)

قید چگونگی و کیفیت - لەنجەو لار (عشوه، ناز) ئنزچنز (ایرادگرفتن یا معنای شبیه به این)

قید آرزو - خوە زیەو (کاشکی) کاشکا (کاشکی)

قید تأسف - تن خودا (ترا به خدا) ویٚیٚ (وای) ئەیٚ‌لەیٚ چه مەره (آه از این بدبختی) ئاخ و داخ (آخ - داخ)

قید تدریج - نز چۆل نز چۆل (پاورچین پاورچین) هۆردە هۆردە (کم‌کم)

قید تکرار - هم هات (باز هم آمد)

قید شک و تردید - شاید باید (احتمال می‌رود) ئەگەر مەگر (در همین معنا)

بەش شەشم

قسمت «٦»

حرف = نزه

حرفها یا واژەها گروههایی از کلمات هستند که معنی مستقلی ندارند، عبارتند از:

۱ـ حرف ربط ـ نزه ماوش

۲ـ حرف اضافه ـ نزه زیادی

۳ـ حرف نشانه ـ نزه نیشانه

حرف ربط = نزه ماوش

حرف ربط در کردی عبارتند از:

چمانیٚ (مثل اینکه) کێ (که) تا (تا) چۆ (چطور) ئەر (اگر) تمەس مەکە (مثل اینکه) ئەیٚ (شاید)و...

حرف اضافه ـ نزه زیادی

حرفهای اضافه، کلمەهایی هستند که کلمه یا گروهی ازکلمەها را به کلمه یا جملەای دیگر نسبت می‌دهند که آن عبارتند از:

ئەڕا (برای)	لە (از)
وە (با)	یێجگە (بجزء)
وەلِ (همراه)	لەهەقِ (در حق)

وه گه‌رد (همراه)
وه (به)
ئه‌ڕاچه (برای چه)
وه‌و ـ (به)

له‌ڕۆ (از روی)
چۆ (مثل)
ا (به) تفا رۆ د ستف به رویت
دا (به) تفدا رۆ د ـ تف به رویت

حرف نشانه = نزه نیشانه

کلمه‌هایی هستند که برای تعیین مقام کلمه در جمله می‌آیند و نقش آن را مشخص می‌سازند. مهمترین آنها عبارتند از:

۱ـ «یگ» در معنای «ی»

مثال: کتاوێگ سه‌نم = من کتابی خریدم

۲ـ ـه‌ی در معنای ش ضمیر متصل و به معنای حرف نشانه مفعولی

ئه‌ر بخوار دامه‌یٚ خاس بۆ = اگر می‌خوردمش = (آن را می‌خوردم) خوب بود.

۳ـ بدون علامت ـ در معنای را

مثال: م ئه‌وه دیم = من او را دیدم.

بەش هەفتم = بخش هفتم

جمله و شبه‌جمله = کەلام وه دخوەیٚ کلام

جمله از حیث نوع فعل به سه قسمت تقسیم می‌شود.

۱. جمله اسنادی

۲. جمله فعلی

۳. شبه جمله

جمله اسنادی

جمله‌هایی هستند که با فعل ربط ساخته می‌شوند مانند:

بۆ (بود) ـە (است) ن (هستند) هان

مثال: هەوا سەردە = هوا سرد است

مثال: هانە کورە؟ کجا هستند

مثال: ئەوانە خاسن = آنها خوب هستند

ئەوانە ئازاو لونن = آنها سالم و سلامت هستند.

جمله فعلی

جمله‌ای است که با فعل خاص ساخته می‌شود.

هەسەن هات = حسن آمد

یاقو توایٚ بچو = یعقوب می‌خواهد برود

ئەوە منالٚ سەردەیشتە = او بچه سردشت می‌باشد

شبه جمله = دخوەی کەلام

کلمه‌هایی که برای بیان عواطف بکار می‌روند شبه جمله می‌گویند مانند:
ئه (اه) ئافه‌رم (آفرین) وەیّیْ (ای وای) و...
۱ـ مثال برای شبه جمله در بیان آه و افسوس.
ئەی لەیّ چەمەره (آه از این بدبختی) وەیّیْ روله (ای فرزندم) آخخ (آخ)
۲ـ دربیان آرزو و امید:
خوەزیەو (کاشکی) کاشکا (کاشکی)
۳ـ در بیان تحسین و تشویق:
ئافه‌رم (آفرین) باریکه‌لا (بارک‌الله) ماشلا (ماشاءالله)
٤ـ در بیان تنبیه و تحذیر:
هایّ (اهای در معنی هان)
۵ـ در بیان محبت و احترام:
وە بان چەو (به‌چشم) وە رۆ چەو (به روی چشم)
٦ـ در بیان تأیید سخن:
بەلیّ (بلی) ئائا (بله‌بله) ئاریّ (آری)